

مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای

سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۳۸۸

دریافت: ۱۳۸۸/۵/۱۱ - پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۳۰

صص ۱۹-۳۶

## تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

### مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز

مسعود تقوایی، دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، ایران\*

رسول بابانصب، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، ایران

چمران موسوی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، ایران

#### چکیده

مقاله حاضر با هدف تحلیل سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و بر اساس یافته‌ها و نتایج یک بررسی میدانی از منطقه ۴ شهر تبریز تهیه شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه‌ای، اسنادی و نیز میدانی (پرسشنامه‌ای)، و نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و روش مطالعه اسنادی - تحلیلی و پیمایشی بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. روش‌های آماری مورد استفاده در این تحقیق کندال، رگرسیون چند متغیره و اسپیرمن است. و در نهایت، از این پژوهش نتایج زیر به دست آمده است: ۱- ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده، بیشتر شهروندان معتقد بودند که می‌توانند با مشارکت در مدیریت شهری تاثیرگذار باشند. مطالعات به دست آمده نشان می‌دهد که بیشترین مشارکت، برگزاری مراسم و جشن‌های محلی و کمترین مشارکت مربوط به اطلاع‌رسانی مشکلات به مدیران شهری بوده است؛ ۲- هر چه میزان رضایتمندی افراد از خدمات‌رسانی مدیران شهری بیشتر باشد، به همان میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد که این میزان مشارکت در محدوده مورد مطالعه ۰/۴۲ است؛ ۳- مطالعات به دست آمده نشان می‌دهد که هرچه احساس مالکیت؛ یعنی مدت زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می‌کند. مطالعات صورت گرفته، نشان دهنده این است که در محدوده مورد مطالعه، احساس مالکیت ۰/۴۸ درصد تعیین کننده مشارکت در مدیریت شهری بوده است؛ ۴- و اینکه وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان بر مشارکت تعیین کننده است، که با بررسی متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مشخص شد با بهتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی میزان مشارکت هم بالا می‌رود.

واژه‌های کلیدی: مدیریت شهری، مشارکت، شهروندی، حقوق شهری

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- طرح مساله

ویژگی عصر ما شهرنشینی گسترده، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است. شهرنشینی بیش از پنج هزار سال قدمت دارد، در حالی که در سال ۱۹۰۰ میلادی از هر ۸ نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می‌کرده است. طی دوره ۱۹۹۰ تا دوره ۲۰۳۰ جمعیت نواحی شهری تا حدود ۳/۳ درصد میلیارد نفر رشد خواهد کرد، که از این میزان ۹۰ درصد در نقاط شهری کشورهای در حال توسعه خواهند بود. همچنان که مهاجران در جستجوی کار و فرصت‌های بهتر یا فقط برای دستیابی به غذا و سرپناه به مهاجرت به شهرها ادامه می‌دهند، ظرفیت زیرساخت‌های شهری اغلب در فشار قرار می‌گیرد و حتی کاهش می‌یابد، وضع مسکن موجود بدتر و متراکم‌تر می‌شود، فضاهای باز مورد تجاوز قرار می‌گیرند و ... (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰: ۹۶). شهرنشینی امروزه یکی از چالش‌های مهم است که بیشترین میزان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده، سالانه تا ۶۰ میلیون شهروند به فقیرترین کشورهای این نقاط افزوده می‌شود (Stephens And Stterthwaire, 2008:300). شهرنشینی شتابان چهاردهه گذشته در کشورهای رو به توسعه چندین پیامد منفی داشته است که عبارتند از: افزایش فقر در شهرها، ارائه ناکافی مسکن و خدمات شهری اصلی مانند خدمات بهداشتی، آب، پیدایش زاغه‌ها و مسکن‌های غیر قانونی و ویرانی زیست-محیطی (زاهدی، ۱۳۸۲: ۷). چنانکه شهر به

مثابه یک سازمان قلمداد گردد، لازم است که در راس آن و به منظور اداره امور شهر از فنی استفاده گردد که همان مدیریت شهری است (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۹). مدیریت شهری گروه‌ها را در شبکه‌های مختلفی که منافع آنها حکم می‌کند، قرار می‌دهد و توجه به منافع آنها در جهت دهی ساختار شهری مؤثر می‌افتد. بنابراین، مدیریت شهری به بررسی مسائل فضایی می‌پردازد که شهروندان با آن درگیر هستند (Thooenig, 1970, p.p: 387). مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن، در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست (سعیدینیا، ۱۳۷۹: ۴۶). رابطه شهر و شهروندی دو سویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تاثیر قاطع و امکان ناپذیر دارد. اصلاح ساختار شهری و بهینه کردن شهرنشینی به اصلاح و بهینه کردن این رابطه نیاز دارد که مدیریت شهری سازماندهی این ارتباط را بر عهده دارد، و باید همه جوانب موضوع را مدنظر داشته، با دقت بررسی نماید، چرا که برای دستیابی به شهر ایده آل (شهر پارک، روان، سبز، پویا، فرهنگی) راهی طولانی و خطیری پیش روی ما نهاده است و تلاش عظیمی می‌طلبد (جاجرمی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۰). مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب نظران توسعه اجتماعی است. مشارکت، فرایند

عوامل مهمی را که می‌توانند بر مشارکت بین شهروندان و مدیران تأثیر مثبتی داشته باشند، شناسایی نماید. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند مدیران شهری را در بالا بردن مشارکت شهروندان و افزایش مشارکت مردمی یاری رساند.

### ۲-۱- اهداف تحقیق

مهمترین اهداف این پژوهش عبارتند از:

۱-۲-۱- سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری.

۲-۲-۱- ارائه پیشنهادات و راهکارها جهت بهبود افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری.

### ۳-۱- متغیرهای پژوهش

به لحاظ نظری، با توجه به مطالعات صورت گرفته جهت تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، متغیرها به صورت زیر خلاصه می‌شود تا روابط بین متغیرها به صورت تجربی آزمون گردند.

۱-۳-۱- متغیرهای مستقل: احساس مالکیت شهروندان در یک محله و یا شهر، رضایت شهروندان از خدمات شهری، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، جنسیت، احساس تعلق اجتماعی شهروندان.

۲-۳-۱- متغیر تابع: مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنهاست و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن راندند (عباس زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده، افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید (همان: ۱۶). اگر شهروندان، مشارکت در شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت، شهروندان در قالب گروه‌های کاری به شکل‌گیری و تقویت خصایصی، نظیر خود رهبری، خود مسؤولیت‌ورزی مبادرت ورزیده، زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند ساخت. نهایت امر این که، مشارکت عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی گردیده، از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌کنند و به اعتقاد صاحب‌نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد (الموند و همکاران، ۱۳۷۷: ۴۲).

تحقیق حاضر می‌کوشد عوامل مؤثر بر مشارکت در مدیریت شهری منطقه ۴ شهر تبریز را بررسی کند. هدف آن، این است که با بررسی این مورد بتواند نکات و

#### ۱-۴- فرضیه‌های تحقیق

این تحقیق در راستای بررسی فرضیات زیر تدوین شده است:

۱-۴-۱- بین احساس مالکیت (نوع مسکن و مدت زمان سکونت) شهروندان در یک محله یا شهر با میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد.

۱-۴-۲- به نظر می‌رسد هر چه میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری افزایش می‌یابد، به دنبال آن رضایت شهروندان نیز ارتقا می‌یابد.

۱-۴-۳- میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اقتصادی و اجتماعی مرتبط است.

۱-۴-۴- هر چه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری به همان اندازه بیشتر می‌شود.

۱-۴-۵- به نظر می‌رسد بین جنسیت و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

#### ۱-۵- روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر، در پی تلفیق دو شاخه مشارکت و مدیریت شهری است؛ به گونه‌ای که به نتایج حاصل از آن در منطقه ۴ تبریز دست یابد. لازمه انجام چنین پژوهشی، برخورداری از دیدگاهی است که قابلیت همه جانبه نگری داشته باشد. نوع تحقیق به صورت کاربردی- توسعه‌ای است. روش مطالعه اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است. برای تکمیل اطلاعات موجود، از منابع

دسته اولی چون پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در فرایند پرسشگری شامل شهروندان منطقه ۴ تبریز است. روش نمونه‌برداری از جامعه آماری تصادفی است. برآورد حجم نمونه نیز با استفاده از روش کوکران صورت گرفته است. با توجه به جمعیت منطقه ۴ (۳۰۱۵۶۱)، با استفاده از روش کوکران (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰: ۱۱۷) حدود ۳۸۰ پرسشنامه مورد نیاز بود که برای نتیجه‌گیری بهتر، تعداد پرسشنامه‌ها به ۴۰۰ عدد افزایش پیدا کرد.

فرمول شماره (۱): فرمول کوکران

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

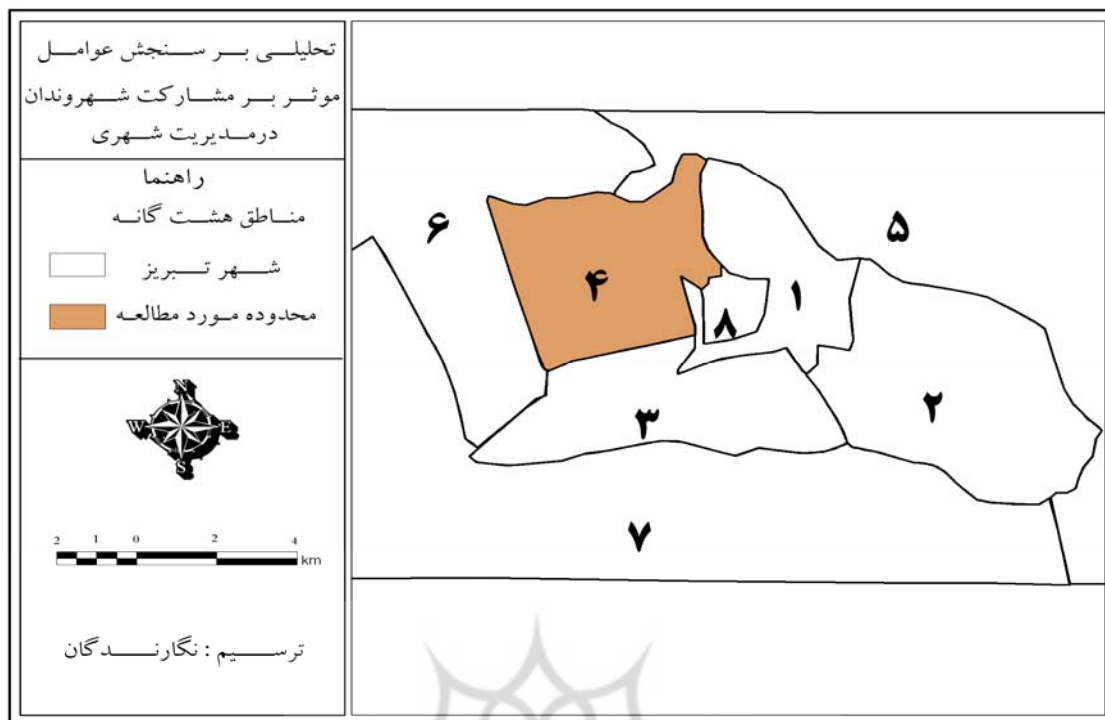
$$= \frac{(1.96)^2 (0.7)(0.3)}{(0.05)^2}$$

$$= \frac{1}{301561} \left( \frac{(1.96)^2 (0.7)(0.3)}{(0.05)^2} - 1 \right) = 380$$

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، منابع کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای است که از طریق ابزارهای مهمی چون نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل و استنتاج شده است.

#### ۱-۶- معرفی اجمالی محدوده مورد مطالعه

منطقه چهار شهرداری تبریز، یکی از مناطق هشت گانه شهرداری کلان‌شهر تبریز است. جمعیت این منطقه بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، بالغ بر ۳۰۱،۵۶۱ نفر برآورد شده است.



شکل شماره ۱- نقشه مناطق شهر تبریز

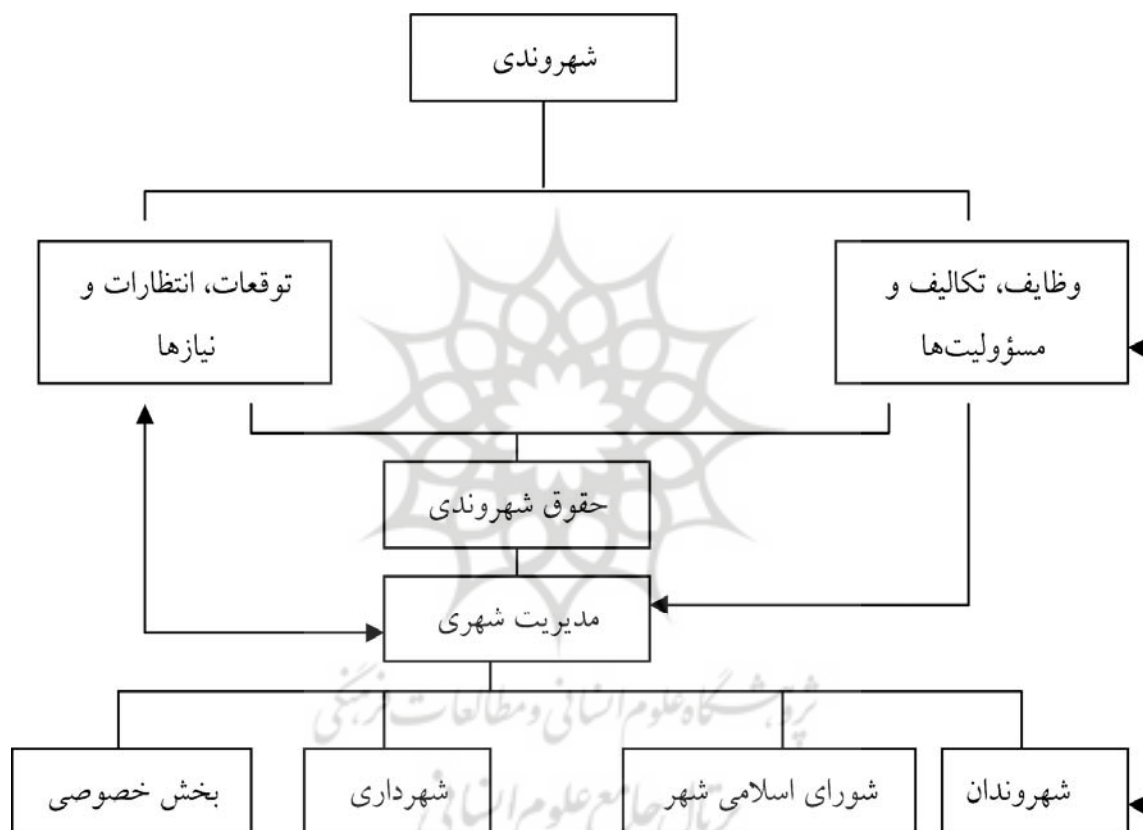
## ۲- چارچوب نظری تحقیق

مدیریت شهری، چنان است که به هیچ وجه نمی‌توان شهرداری را معادل مدیریت شهری دانست؛ شهرداری مسؤول مدیریت شهر است. مدیریت شهری مترادف با همه بازیگران عرصه شهر است و نقش شهرداری به عنوان هسته مرکزی مدیریت شهر، هدایت، نظارت، راهبری و جلب مشارکت سایر بازیگران است (کیانی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنهداری در حوزه برنامه‌ریزی بوده، برنامه‌ریزان شهری تلاش نمودند در تصمیم‌گیری‌های شهری از نظرات شهروندان مطلع شوند و با همکاری آنان برنامه‌های خود را عملی سازند. برنامه‌ریزان شهری معتقدند که مشارکت، باعث می‌شود شهروندان نسبت به تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در شهر مسؤولیت‌پذیر گردند؛ یعنی

در جامعه امروز نیاز بشر به همزیستی در سطح بالایی احساس می‌گردد و این همزیستی در قالب شهرها تحقق می‌یابد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). شهر به عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه‌های شهری نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده دارد. از دیدگاه دیگر، می‌توان مدیریت شهری را در مسیر یک توسعه قانونمند و پایدار مورد توجه قرار داد. این مورد، بیشتر از این جهت اهمیت دارد که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می‌تواند در بهبود سکونتگاه‌های انسانی و پایداری توسعه شهری، مهمترین نقش را ایفا کند (شیع، ۱۳۸۲: ۳۷). گستردگی، تنوع و پیچیدگی مفهوم

شهری، شهرداری‌ها، نمایندگان استانی منتخب در مجلس شورای اسلامی و نقش غیرمستقیم نهاد شوراهای حل اختلاف شهری، در کشاندن شهروندان به سوی کنش‌های مشارکتی اشاره نمود (رضویان، ۱۳۸۱: ۲۰). شکل شماره ۲ ارتباط میان مدیریت شهری و شهروندی و حقوق شهری را نشان می‌دهد.

حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان، باعث می‌شود متولیان امر به راحتی برنامه‌های خود را عملی نمایند (عباس زاده، ۱۳۸۷: ۷۲). نکته نهایی اینکه مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند. بنابراین در بحث مدیریت شهری می‌توان به نقش مستقیم شوراهای



منبع: (صراف‌ی و عبدالمهی، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

شکل شماره ۲- ارتباط مدیریت شهری، شهروندی و حقوق شهری

## ۱-۲- شهروندی و حقوق شهری

شهروندی ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد. در قرن شانزدهم که همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است، این موضوع یکی از فرایندهای جامعه مدرن

است و در عرف جامعه شناسی دارای مرزهای تعریفی خاص و عموماً برخاسته از نگرش عقلانی نسبت به قانون و حقوق افراد در جامعه است (عباسی، ۱۳۸۶: ۴۵۷). باز اندیشی توسعه تاریخی شهروندی در

شرایط است که بهتر می‌تواند زندگی کند که البته در تحقق واژه شهروندی و آگاه‌سازی مردم یک جامعه از این اصل و همچنین بحث حقوق شهروندی، آموزش نقش انکار ناپذیری دارد که در کشور ما نیز اگر چه طی سال‌های اخیر رسانه‌های جمعی و بخصوص رادیو و تلویزیون گام‌هایی در جهت اطلاع‌رسانی به شهروندان درباره وظایف شهروندی و همچنین حقوق شهروندی در جامعه، برداشته‌اند، اما به نظر می‌رسد که باید اصل آموزش با جدیت بیشتری از سوی مسئولان پیگیری شود ([www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir)).

بحث آموزش شهروندی شامل یک بسته آموزشی است که حقوق شهروندی را نیز در بر می‌گیرد و به آن بسته حقوق شهروندی اطلاق می‌شود. در این بسته آموزشی، شهروند می‌آموزد که با توجه به سن و جنسیت خود، چه حقی نسبت به سیستم‌های اجتماعی دارد. او در این سیستم باید از مراجع مسئول احساس امنیت، آسایش و راحتی به عنوان یک شهروند را مطالبه کند، ضمن این که فراهم آوردن فضاها و فرصت‌های لازم برای گذران بهینه اوقات فراغت و شیوه مطلوب زندگی در جامعه، از جمله مواردی است که او در حقوق شهروندی خود باید از دولت مطالبه کند. این موارد حقوقی هستند که مردم نسبت به نظام شهری دارند، اما در مقابل، نظام شهری نیز قطعاً حق و حقوقی را از شهروندان مطالبه می‌کند ([www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir)). بنابراین، شهرها به منزله جان انسان‌ها و انسان‌ها روح این جان هستند که از تبادل

جامعه مدرن را می‌توان در نظریه شهروندی مارشال که یکی از برجسته‌ترین نظریه‌های مربوط به شهروندی و حقوق شهروندی را ارائه داده است، مشاهده نمود. به نظر ایشان، شهروندی پایگاهی است که به همه افرادی که عضو تمام عیار جامعه خود هستند، داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق و وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند و حقوق وظایف شهروندی به موجب قانون تثبیت و حمایت می‌شود. مارشال حقوق شهروندی را در سه حوزه اصلی می‌داند: حقوق قانون مدنی (آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت و حق بهره‌مندی از عدالت)، حقوق سیاسی (حق رای، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی) و حقوق اجتماعی (حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی) (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۲۸). شهروندی از مهمترین ایده‌های اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها به وجود آمده است (شیبانی، ۱۳۸۱: ۱۲۱). مهمترین پیامد سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی که در اکثر جوامع شهری مدرن، بویژه در غرب مشاهده می‌شود، شدت یافتن تقاضاها و مطالبات نامحدود شهروندان از رژیم‌های شهری است که عهده‌دار سازماندهی اداره امور شهرها هستند و اولی‌ترین وظیفه و کارکرد آنها برآورده کردن چنین تقاضاها و مطالباتی است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۴۰). امروزه شعار تمام جامعه‌شناسان شهری این است که واژه شهروندی؛ یعنی فرد خود را از شهر و شهر را از خود بدانند و در این

حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. بنابراین، هنگامی که شهر، دارای مشکلات و نارسایی‌هایی در چرخه امور خود است و از مشکلات بهداشت شهری و آلودگی‌های محیطی و اقسام آسیب‌های اجتماعی رنج می‌برد و بحران‌هایی، همچون مسکن، نقص در ظرفیت کافی تأسیسات عمومی، بیکاری، کمی درآمد، زاغه‌نشینی، مشقات اجتماعی، رشد خودروی شهری و بی هویتی در شکل‌گیری بافت‌ها و ساختمان‌ها را تجربه می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که مدیریت شهری آن در تنگنا و نارسایی به سر می‌برد. در این باره، مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کرده، بر اساس آنها، به ترسیم آینده آید آلی که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد، بپردازد. در این مورد، مدیریت شهری باید حافظ شهرها و منافع مردم شهرها باشد (شیعه، ۱۳۸۲: ۳۹). حال که شاهد افزایش نیازهای انسانی و مشکلات زیست-محیطی شهری در ابعاد وسیع هستیم، مواردی، چون رعایت ترافیک، توجه به فضای سبز، همکاری با شهرداری‌ها در زمینه رعایت ساخت و سازها، جمع‌آوری زباله و مسایل عدیده دیگر، نمایانگر مشکلاتی است که امروزه با آنها رو به رو هستیم (Marshall, 2004: 22). از جمله پیامدهای مثبتی که تقویت، قانونمند و عقلانی نمودن رابطه شهروندان- شهرداری‌ها برای طرفین رابطه و نیز مدیریت‌های شهری و بویژه شهرداری‌ها را در

این دو شخصیت شهری شکل می‌گیرد (Lees, et al, 2000: 89).

بر این اساس، می‌توان گفت که شهروندان هنگامی می‌توانند به توسعه پایدار و تعادل پویای شهرشان برسند که بتوانند مدیریت شهر را مشروط به اعمال حقوقی کنند که برخورداری انسانی از آنها فرض است. این حقوق عبارتند از:

- حق بر شهر: که راه اظهار نظر و تصمیم‌گیری در باب شکل و ساختار شهر و دگرگونی‌های شکلی و کاربردی جاری و آتی آن را، برای شهروندان می‌گشاید.
- حق تحرک اجتماعی برای شهروندان: از طریق ایجاد تسهیلات در گزینش آزادانه مسکن و شغل فراهم می‌شود. برخورداری از حق تحرک اجتماعی - به معنای سیال بودن وضعیت استقرار آدمیان در پهنه شهرشان - تضمین کننده حق تحرک معنوی و متعالی ساکنان شهرها می‌شود و آنان را از وابستگی تا حد تعبد از کارفرمایان و از صاحبان و مالکان عرصه و اعیان می‌رهاند.
- حق مشارکت در مدیریت شهری: مشارکت در بنای شهر و حق مشارکت در بهره برداری از تمامی ابعاد فضای شهر را به همراه داشته، و ریشه‌های ساختاری جامعه مدنی را رشد می‌دهد (عباس زاده، ۱۳۸۷: ۶۶).

## ۲-۲- مشارکت و مدیریت شهری

مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از



- بردارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۴۰):
- تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و شهرداری؛
  - بسط توانایی‌های شهروندان؛
  - تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر و شهرداری و مدیران شهری؛
  - زندگی شهری؛
  - تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف - حقوق شهروندی و شهرداری.

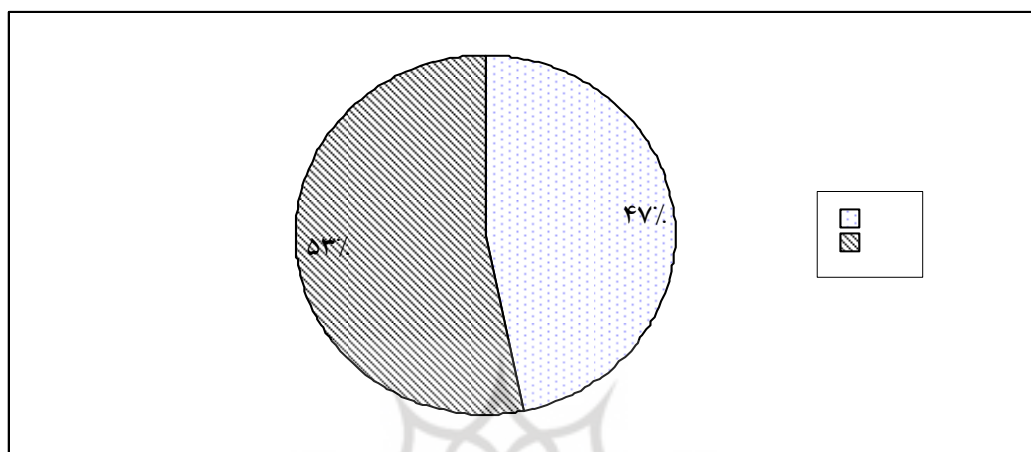


شکل شماره ۳- ساز و کار رابطه شهروندی و شهرداری، حقوق و وظایف متقابل

۳- نتایج توصیفی تحقیق

۳-۱- وضعیت جنسی پاسخگویان

شکل شماره ۴ بررسی ترکیب جنسی نحوه پراکندگی جمعیتی پاسخ دهندگان را نشان می‌دهد که ۲۱۴ نفر



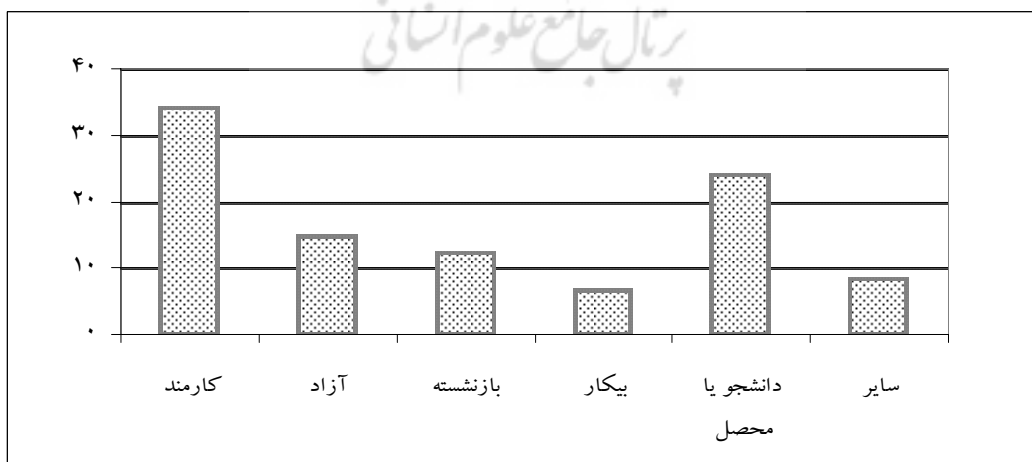
شکل شماره ۴- نمودار توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت

۳-۲- وضعیت تحصیلی پاسخگویان

۳-۳- وضعیت شغلی پاسخگویان

بررسی میزان تحصیلات پاسخگویان، نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان؛ یعنی ۳۹/۰ درصد آنان دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم هستند. ۳۴/۰ درصد دارای مدرک لیسانس، ۲۰/۲ درصد دارای مدرک بالاتر از لیسانس، ۶/۸ درصد دارای مدرک زیر دیپلم هستند.

بررسی وضعیت شغلی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳۴/۰ پاسخگویان کارمند، ۱۴/۸ درصد دارای شغل آزاد، ۱۲/۳ بازنشسته، ۶/۶ درصد بیکار، ۲۴/۰ درصد دانشجوی و یا محصل، و ۸/۳ درصد را سایر تشکیل می‌دهند. که در شکل شماره ۵ آمده است.



شکل شماره ۵- نمودار وضعیت شغلی پاسخگویان

هرکدام از گویه‌ها رتبه‌بندی شده است. بالاترین میزان مشارکت در مدیریت شهری مربوط به مشارکت در برگزاری مراسم و جشن‌ها و کمترین میزان مشارکت نیز مربوط به اطلاع‌رسانی مشکلات شهری به مدیران است.

۳-۴- بررسی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری  
برای بررسی مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از ۱۰ گویه استفاده شود که بر مبنای طیف ۵ مقیاسی است. میزان مشارکت در جدول شماره ۱ آورده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از طریق میانگین

جدول شماره ۱- توزیع درصد فراوانی و میانگین مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

میانگین	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	میزان مشارکت	گویه‌ها
۲/۴۸	۷/۸	۶/۳	۳۶/۸	۲۴/۳	۲۴/۸		میزان مشارکت در اداره امور شهری
۲/۴۳	۷/۳	۸/۳	۳۲/۶	۲۴/۳	۲۷/۵		ارزیابی و بررسی میزان خدمات رسانی از طرف مدیران شهری
۲/۶۶	۶/۸	۲۳/۱	۲۵	۱۹/۸	۲۵/۳		ارائه پیشنهادهای و نظرها به مدیران شهری
۲/۹۰	۲۱/۶	۲۰/۵	۱۰/۸	۲۰/۳	۲۶/۸		مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی
۲/۵۶	۱۰/۳	۱۱/۳	۲۰/۸	۴۰/۳	۱۷/۳		مشارکت در حل مشکلات شهری
۲/۸۳	۱۰/۳	۱۸/۳	۳۱/۸	۲۳/۸	۱۵/۸		مشارکت در پرداخت عوارض شهری
۳/۱۴	۱۰/۶	۳۷/۳	۱۶/۸	۲۶/۳	۹		مشارکت در برگزاری مراسم
۳/۰۵	۱۰/۳	۲۱/۳	۳۵/۳	۳۰/۳	۲/۸		مشارکت در حفظ پارک‌ها
۲/۷۹	۸/۵	۱۰	۳۹/۵	۳۶/۷	۵/۳		توجه به قوانین در ساخت و سازها
۲/۳۸	۶/۵	۱۴/۹	۲۴/۳	۱۸/۸	۳۵/۵		اطلاع‌رسانی مشکلات شهری به مدیران

رتبه‌ای بوده، از ضریب کندال استفاده شده است. این آماره در سطح ۰/۱ معنادار گشته است. لذا با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین میزان احساس مالکیت و میزان مشارکت رابطه وجود دارد و ضریب همبستگی این آزمون  $r = 0.48$  که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

### ۳-۵- آزمون فرضیه‌ها

۳-۵-۱- به نظر می‌رسد بین احساس مالکیت شهروندان در یک محله یا شهر، با میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد.  
جدول ذیل رابطه احساس مالکیت و میزان مشارکت را نشان می‌دهد. به دلیل اینکه در این جدول سطح سنجش

جدول شماره ۲- آزمون کندال به منظور بررسی رابطه بین احساس مالکیت و مشارکت

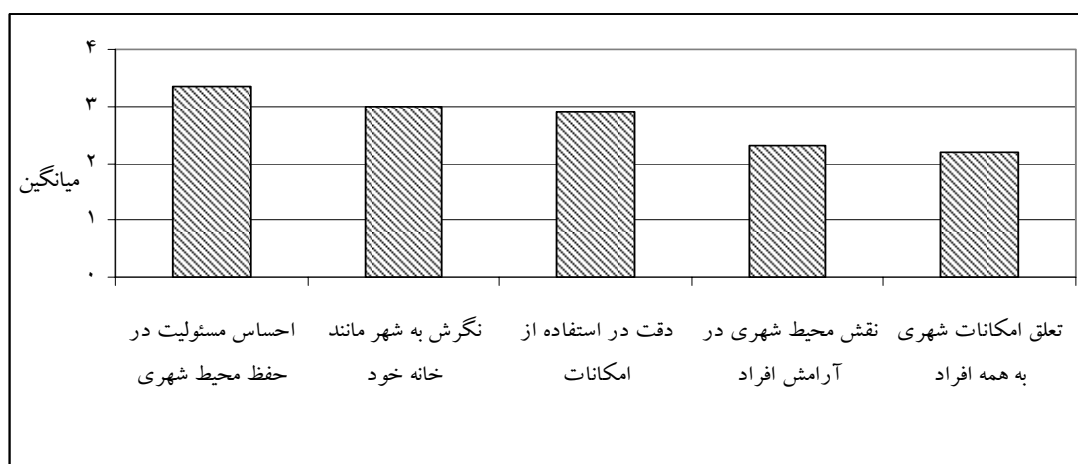
ضریب همبستگی کندال	درصد احساس مالکیت			درصد میزان مشارکت
	زیاد	متوسط	کم	
<b>tau-b کندال</b> <b>R=0.48</b> <b>sig=۰/۰۰۰</b>	۴۰/۴	۵۶/۲	۳/۴	خیلی کم
	۵۷/۱	۴۰/۳	۲/۶	کم
	۴۸/۵	۵۰	۱/۵	متوسط
	۸۵/۷	۸	۶/۳	زیاد
	۸۷	۱۱/۱	۱/۹	خیلی زیاد

متغیر دیگر همراه است. مقدار ضریب کندال همواره بین ۱- تا ۱+ در نوسان است. نکته جالبی که در جدول زیر مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تا اویی کندال است که به میزان ۰/۷۷ ظاهر شده است. این ضریب ارتباطی قوی و مثبت میان این دو متغیر را نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۹۹/۱ در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، همچنین شکل شماره ۴ میزان تعلق اجتماعی افراد را در سطح شهر نشان می‌دهد.

۳-۵-۲- به نظر می‌رسد هر چه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری به همان اندازه بیشتر می‌شود. جدول شماره ۳ ارتباط میان تعلق اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان را نمایش می‌دهد. این متغیر نیز همچون سایر متغیرها در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است. لذا ضریب مورد استفاده برای این فرضیه تا اویی کندال است. این شاخص مشخص می‌کند که تا چه میزان افزایش یا کاهش در یک متغیر، با افزایش یا کاهش در

جدول شماره ۳- آزمون کندال به منظور بررسی رابطه بین تعلق اجتماعی و مشارکت

ضریب همبستگی کندال	درصد میزان تعلق			درصد میزان مشارکت
	زیاد	متوسط	کم	
<b>tau-b کندال</b> <b>r=0.77</b> <b>sig=۰/۰۰۰</b>	۰	۱۶/۹	۸۳/۱	خیلی کم
	۰	۴۸/۱	۵۱/۹	کم
	۲/۹	۷۳/۵	۲۳/۵	متوسط
	۶۷/۹	۳۲/۱	۰	زیاد
	۷۷/۸	۲۲/۲	۰	خیلی زیاد



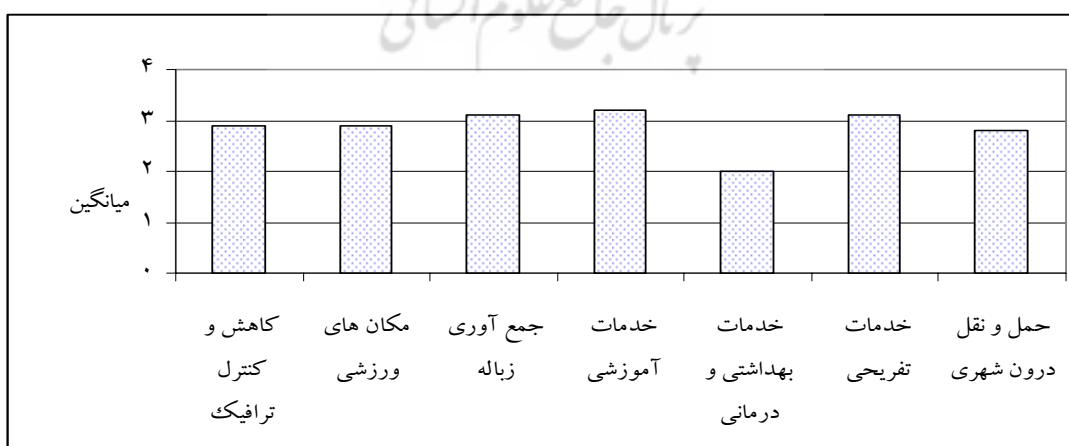
شکل شماره ۶- نمودار میزان تعلق اجتماعی شهروندان در شهر

محاسبه شده ( $\text{sig}=0.000$ ) از سطح معناداری مورد نظر ( $\alpha=0.05$ ) کمتر است، این فرضیه تأیید می‌شود. به عبارتی، هر چه میزان رضایت شهروندان از خدمات رسانی مدیران شهری بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها به همان اندازه بالاتر است و این موضوع نشان دهنده ارتباط مثبت میان این دو است.

۳-۵-۳- به نظر می‌رسد هر چه میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری افزایش می‌یابد، به دنبال آن رضایت شهروندان نیز ارتقا می‌یابد. برای سنجش متغیرها و آزمون فرضیه فوق نیز از آزمون اسپرمن به منظور تعیین ارتباط بین متغیرهای رتبه‌ای استفاده شده است. با توجه به این که سطح معناداری

جدول شماره ۴- آزمون  $r$  اسپرمن برای بررسی رابطه رضایت شهروندان با میزان مشارکت

نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معنی داری ( $\text{sig}$ )
همبستگی اسپرمن	$r=0.42$	۰/۰۰۰



شکل شماره ۷- نمودار میزان رضایت شهروندان از خدمات شهری

مستقل که بیانگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان است، و با میزان مشارکت آنها رابطه وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه وضعیت شغلی، درآمد، مسکن و بعد خانوار و کیفیت مسکن مناسب باشد، به همان اندازه میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری بالا می‌رود. جدول شماره ۵ رابطه بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی را با مشارکت در مدیریت شهری نشان می‌دهد.

۳-۵-۴- میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با پایگاه اقتصادی و اجتماعی مرتبط است. برای آزمون فرضیه چهارم از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بین میانگین عملکرد مشارکت شهروندان در مدیریت شهری به عنوان متغیر وابسته و «شغل، درآمد، بعدخانوار، نوع سکونت، تحصیلات و همچنین وضعیت مسکن» به عنوان متغیر

جدول شماره ۵- آزمون رگرسیون چند متغیره برای سنجش رابطه بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی با میزان

#### مشارکت در مدیریت شهری

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig
		B	Std. Error	Beta		
۱	(Constant)	۲/۸۶۴	۰/۲۳۴	-	۱۲/۲۵۵	۰/۰۴۴
	شغل	-۰/۰۷۴	۰/۰۲۲	-۰/۱۴۱	-۳/۳۷۴	۰/۰۰۱
	درآمد	۰/۰۴۶	۰/۰۴۱	-۰/۴۳	-۱/۱۰۰	۰/۰۰۶
	سکونت	۰/۷۱۵	۰/۰۸۴	۰/۳۲۶	۸/۴۷۴	۰/۰۰۰
	بعد خانوار	۰/۲۳۲	۰/۰۴۵	۰/۱۸۲	۵/۱۵۹	۰/۰۷۲
	وضعیت مسکن	۰/۴۸۷	۰/۰۴۰	-۰/۴۶۹	-۱۲/۳۰۵	۰/۰۰۸
	تحصیلات	۰/۷۷۷	۰/۶۲۳	۰/۳۳	۴/۷	۰/۰۰۳

شهری به وسیله وضعیت اقتصادی و اجتماعی تعیین می‌شود.

۳-۵-۵- به نظر می‌رسد بین جنسیت و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج به‌دست آمده، میزان مشارکت پاسخگویان به تفکیک جنسیت آنان متفاوت است. به عبارت دقیقتر، جنسیت

ضریب همبستگی (رگرسیون) وضعیت اقتصادی- اجتماعی و مشارکت در مدیریت شهری ۰/۷۲۹ است که با اطمینان معناداری آن را تعیین می‌کند، چون مقدار (sig=000) است. همچنین ضریب تعیین R2 آن نیز ۰/۵۳ است و نشان می‌دهد که رگرسیون خطی تنها ۵۳ درصد متغیر وابسته است؛ یعنی مشارکت در مدیریت

مشارکت زنان است، و با عنایت به اینکه سطح معناداری به دست آمده  $\text{Sig}=0.04$  از سطح مورد نظر  $\alpha = 0/05$  کمتر است، لذا فرضیه تایید می‌شود، ولی مردان بیشتر از زنان در مسائل شهری مشارکت دارند و با توجه به جدول شماره ۶ میزان مشارکت آنها بیشتر است.

پاسخگویان بر میزان مشارکت آنان اثر معناداری دارد. بر اساس آماره‌های جداول قبلی تعداد مردان ۲۱۴ نفر و میانگین میزان مشارکت برای آنها ۲۵/۳۱ و تعداد زنان ۱۸۶ نفر و میانگین مشارکت آنها ۲۴/۵۰ است و این نشان‌دهنده آن است که میزان مشارکت مردان بیشتر از

جدول شماره ۶- آماره‌های توصیفی مشارکت در مدیریت شهری به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اشتباه معیار از میانگین
مرد	۲۱۴	۲۵/۳۱	۶/۸۰	۰/۴۰۰۷
زن	۱۸۶	۲۴/۵	۹/۹۶	۱/۶۴۲۰

#### ۴- نتیجه‌گیری

۴-۳- همچنین در تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین متغیرهای احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی شهروندانی که محل سکونت خود وفادار بوده، احساس تعلق خاطر می‌نمایند، بیشتر از شهروندانی که چنین احساسی را ندارند، به مشارکت در امور شهری علاقه‌مند و در این فرضیه ارتباط قوی و معناداری آن ۰/۷۷ درصد دیده می‌شود.

۴-۴- مطالعات به‌دست آمده نشان می‌دهد که بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان در مدیریت شهری رابطه وجود دارد؛ یعنی هر چه افراد از پایگاه اجتماعی و اقتصادی قویتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنها در مدیریت شهری بالاتر است و برعکس.

پس از مطالعه علمی و پیمایشی در زمینه‌های مورد مطالعه در منطقه ۴ شهر تبریز نتایج زیر به دست آمده است:

۴-۱- ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده، بیشتر شهروندان معتقد بودند که می‌توانند با مشارکت کردن خود در مدیریت شهری تاثیرگذار باشند.

۴-۲- بیشتر شهروندان منطقه ۴ در اموری مانند فعالیت در مراسم و جشن‌های محلی و مذهبی و مشارکت در حفظ فضای سبز و پارک‌ها مشارکت بیشتری از خود نشان دادند، ولی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شهروندان در اطلاع‌رسانی مشکلات شهری به مدیران مشارکت کمتری را از خود نشان دادند.

۵-۵- افزایش ناوگان اتوبوسرانی، برای نظم دهی به زمان رفت و آمدها؛

۶-۵- ایجاد و راه اندازی خطوط تلفن مستقیم برای ارتباط مستقیم شهروندان با مدیران جهت ارائه مشکلات و خواست‌های خود؛

۷-۵- نظر خواهی از شهروندان در خصوص اجرای طرح‌های شهری؛

۸-۵- جلب اعتماد شهروندان از طریق به فعلیت رساندن نظرات شهروندان.

۵-۴- نتایج به دست آمده نشان می دهد که هر چه میزان رضایتمندی افراد از خدمات رسانی مدیران شهری بیشتر باشد، به همان میزان تمایل بیشتری به مشارکت در مدیریت دارند که این میزان مشارکت در محدوده مورد مطالعه ۰/۴۲ است.

۶-۴- سرانجام این که هر چه احساس مالکیت؛ یعنی مدت زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیشتر باشد، به همان اندازه مشارکت افزایش پیدا می کند. مطالعات انجام شده نشان دهنده این است که در محدوده مورد مطالعه، تنها ۰/۴۸ درصد احساس مالکیت (ملکی) تعیین کننده مشارکت در مدیریت شهری بوده است.

#### منابع

۱- الموند و همکاران. (۱۳۷۷). سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۲- جاجرمی، ایمان، بیگدلی، حسین و مهناز حناچی. (۱۳۸۳). مدیریت شهری پایدار، تهران: انتشارات سازمان شهرداری های کشور، چاپ دوم.

۳- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۰). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دهم.

۴- حکمت نیا، حسن و موسوی میرنجف. (۱۳۸۶). «سنجش میزان و عوامل مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری، مطالعه موردی: شهر یزد» مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه زاهدان، ش ۹.

۵- رضویان، محمد تقی. (۱۳۸۱). مدیریت عمران شهری، تهران: انتشارات پیوند نو.

#### ۵- راهکارها و پیشنهادها

در خصوص پژوهش حاضر و نتایج به دست آمده از آن، راهکارهایی به شرح زیر ارائه می گردد:

۱-۵- برگزاری جلسات مستمر مدیران با مردم در زمان‌های مشخص؛

۲-۵- طراحی سایت‌های نظر خواهی و برقراری روابط الکترونیکی و حرکت کردن به طرف شهرداری الکترونیکی؛

۳-۵- برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی برای بالا بردن تعلق اجتماعی شهروندان؛

۴-۵- مساعدت رسانه‌ها و وسائل ارتباط جمعی در جهت فرهنگ سازی، مخصوصاً اطلاع رسانی در خصوص ضرورت شرکت داوطلبانه شهروندان در امور شهری؛



- ۱۳- فلامکی، منصور. (۱۳۷۸). حق شهروندی و نقش آن در توسعه پایدار شهرهای ایران، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، شهرداری و دانشگاه تبریز.
- ۱۴- کیانی، گشتاسب. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت و عملکرد مدیریت شهری، نمونه موردی: سکونتگاه‌های شهری استان چهارمحال بختیاری، استاد راهنما: دکتر مسعود تقوایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان.
- ۱۵- کلانتری، خلیل، (۱۳۸۲). پردازش و تحلیل داده‌ها، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، با استفاده از SPSS، تهران: نشر شریف.
- ۱۶- موسی کاظمی محمدی، سید مهدی. (۱۳۸۰). توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه‌ها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، تهران، ش ۱۶.
- ۱۷- نجاتی حسینی، سیدمحمود. (۱۳۸۰). بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول.
- ۱۸- C.Stephens and D.Satterthwaite (2008), "Urban Health in Developing Countries", *Environmental Impact Assessment Review*, 20 pp: 299-310.
- 19- Lees, A. etal, Eds. *The Urbanization and Economic Development in Germany 1815- 1914*, In : *Town in Societies: Essays in economic history and historical society* ( P. Abrams and E.A. Wrigley,Eds.) Cambridge Univ. press, 1976.
- ۶- چیمای، جی. شایبر، مدیریت شهر: خط مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای در حال توسعه، ترجمه پرویز زاهدی. (۱۳۸۲). شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری. چاپ دوم.
- ۷- سعیدنیا، احمد. (۱۳۷۹). مدیریت شهری، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور.
- ۸- شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۲). لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، ش ۱، دانشگاه زاهدان.
- ۹- شیبانی، ملیحه. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۳.
- ۱۰- صرافی، مظفر و عبدالهی، مجید. (۱۳۸۷). تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۶۳، دانشگاه تهران.
- ۱۱- عباسی، رقیه. (۱۳۸۷). بررسی فرایند مشارکت شهروندان در اداره شهرهای ایرانی، اولین همایش سراسری علمی و دانشجویی جغرافیا، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۲- عباس زاده، محمد. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، استادان راهنما: دکتر رسول ربانی و دکتر وحید قاسمی، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.

Corporative. Sociology Dutravail  
Dolitague Urbine. Nou, Seuil, Paris.  
22- ([www.jamejamonline.ir](http://www.jamejamonline.ir)).

20- Marshal, Melissaj.(2004), Citizen Participation and the neighborhood Context: A New at the Corporoduction of Local Public Goods, Political Research Quarterly ,VOL. 57,No.2,PP:231-244.

21- Thoening j.g.Fried Berge (1970), Politigues Urbanies Et Strategise

